

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته، استدلال به آیه شریفه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» در جهت اثبات قول به مضایقه بیان شد، وجه استدلال این بود که لام در «لِذِكْرِي» به قرینه روایات وارده در تفسیر آیه، لام توقیت است؛ بنابراین، مفاد آیه چنین خواهد بود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ عِنْدَ ذِكْرِي»، یعنی هرگاه به یاد من افتادی، باید نماز را اقامه کنی.

اما استاد معظم در پاسخ فرمودند که لام در این آیه، صرف نظر از روایات، لام توقیت نیست، بلکه لام غایت است؛ یعنی غایت و هدف از اقامه نماز، ذکر خداوند متعال است.

افزون بر این، مرحوم شیخ انصاری و صاحب جواهر و نیز اکثر فقهای امامیه تصریح کرده اند که این آیه، بدون در نظر گرفتن روایات تفسیری، ظهوری در اثبات قول به مضایقه ندارد و چنین مطلبی از آن استفاده نمی شود.

کلام مرحوم صاحب جواهر در تفسیر آیه

صاحب جواهر تصریح دارد که آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» در ذات خود و با قطع نظر از اخبار تفسیری، ظهوری در مضایقه ندارد، بلکه بر عدم آن ظهور دارد. ایشان تأکید می کند که این آیه خطاب به حضرت موسی علیه السلام دارد و مخاطب آن خاص است، نه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نه عموم مکلفین.

أما الآية فلا ريب في عدم ظهورها في نفسها مع قطع النظر عن تفسيرها بالأخبار فيما ذكره، بل هي ظاهرة في عدمه، إذ لا يخفى كون الخطاب بالآية الشريفة لموسى على نبينا و عليه السلام، فإنه سبحانه قال [1]: «وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى - إِلَى أَنْ قَالَ - فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى، وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي، وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي، إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِنُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى، فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى، وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى» إلى آخرها، و احتمال إرادة الخطاب لنبينا (صلى الله عليه و آله) بقوله «فَاعْبُدْنِي» إلى قوله «وَمَا تِلْكَ» على أن يكون جملة معترضة بينهما أو لكل مكلف في غاية الضعف بل الفساد، على أنه لا ينافي ما سترسمع [2]

صاحب جواهر در تأیید این مطلب به سیاق آیات قبل و بعد اشاره کرده و بیان می کند که تمامی اوامر و نواهی در این سیاق، متوجه حضرت موسی علیه السلام است؛ وی در ادامه می فرماید که اگر کسی بگوید، خطاب در «فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» به صورت جمله معترضة متوجه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) باشد یا به طور عام شامل همه مکلفین گردد، در نهایت ضعف و بلکه فاسد است.

وی در ادامه بحث، به تبیین ارتباط امر به اقامه صلاة با سایر اوامر الهی در خطاب به حضرت موسی (علیه السلام) می پردازد و بیان می کند که پس از بشارت به رسالت، خداوند متعال حضرت موسی را به استماع وحی امر فرمود. محتوای این وحی شامل

توحید، که اصل همه اصول و فروع است، و عبادت الهی، که نتیجه کمال ایمان و کاشف از تحقق و ثبوت آن می‌باشد، بوده است.

بل الظاهر أنه تعالى شأنه لما بشره بالرسالة أمره بالاستماع لما أوحاه له من التوحيد الذي هو أصل الأصول و الفروع، و العبادة له تعالى التي هي نتيجة كمال الإيمان الكاشفة عن حصوله و ثبوته، ثم عطف الصلاة له عليها من عطف الخاص على العام، لأنها أفضل العبادات و عمود الطاعات، فالياء في ذكرى كياء فاعيدني أي أقم الصلاة لي، إذ إقامتها لذكره إقامة له تعالى شأنه، أو أن المراد أقمها لأجل ذكرى، إذ الصلاة في الحقيقة باعتبار اشتغالها على التسبيح و التعظيم و الأذكار و اشتغال القلب و اللسان في الله بسببها ذكر من أذكاره بل عبر عن الصلاة بالذكر في قوله تعالى [3] «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» و قوله تعالى [4] «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمُ» و قوله تعالى [5] «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا» و منه [6] «فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ» و

عن الباقر (عليه السلام) [7] «ذكر الله لأهل الصلاة أكبر من ذكرهم إياه أ لا ترى أنه تعالى يقول [8] فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» و ربما حمل عليه قوله تعالى أيضا [9] «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» أو أن المراد أقمها لأجل أن تكون ذاكرة لي غير ناس كما هو شأن المخلصين و الأولياء الذين لا يفترقون عن ذكر الله، و لا تلهيهم تجارة و لا بيع عنه، أو أن المراد لأجل ذكرى خاصة لا تشوبه بذكر غيري، أو لإخلاص ذكرى و طلب وجهي لا ترائي بها و لا تقصد بها غرضا آخر أو لأني أذكرك بالمدح و الثناء و أجعل لك لسان صدق، أو لأني ذكرتها في الكتب، أو لذكرى إياها و أمري بها فأقمها امتثالا لذلك، أو لوجوب ذكرى على كل أحد، و هي منه، أو لأوقات ذكرى، و هي مواقيت الصلاة، أو غير ذلك [10]

صاحب جواهر در تبیین مفاد آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» بیان می‌دارد که پس از آنکه خداوند متعال حضرت موسی (علیه السلام) را به رسالت بشارت داد، او را به استماع وحی الهی مأمور ساخت. در این مقام، خداوند فرمود: «أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» و آنچه به حضرت موسی وحی گردید، نخست اصل توحید، که اساس جمیع اصول و فروع است، و سپس عبادت الهی، که نتیجه کمال ایمان و کاشف از تحقق و ثبوت آن می‌باشد، بوده است. در ادامه، امر به اقامه صلاة نیز در سیاق همین اوامر الهی آمده است، که از باب عطف خاص بر عام محسوب می‌شود، زیرا نماز افضل عبادات و عمود طاعات است.

احتمالات مرحوم صاحب جواهر در معنای «لِذِكْرِي»

بر این اساس، صاحب جواهر درباره معنای «لِذِكْرِي» احتمالاتی مطرح می‌کند که به بیان آنها می‌پردازیم.

1. نخست آنکه یای متکلم در «لِذِكْرِي» همانند یای «فَاعْبُدْنِي» است، لذا مفاد آیه این است که خداوند می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِي»، یعنی نماز را برای من برپا کنید، همان‌طور که هر عبادتی را برای من انجام می‌دهید، نماز را نیز تنها برای من به‌جا آورید.
2. احتمال دوم آن است که مراد از «لِذِكْرِي»، اقامه صلاة به جهت ذکر خداوند باشد، زیرا نماز در حقیقت به دلیل اشتغال بر تسبیح، تعظیم، اذکار و اشتغال قلب و لسان به یاد الهی، خود یک نوع ذکر محسوب می‌شود، بعید نیست که مرحوم آقای طباطبائی نیز، که «لام» را لام تعلیل گرفته‌اند، مقصودشان همین باشد، زیرا ایشان می‌فرماید: «و اللام للتعلیل متعلق بأقم، محصله: حَقَّقَ ذِكْرَكَ لِي بِالصَّلَاةِ» [11]. اما بهتر است بگوییم: «أَقِمِ الصَّلَاةَ، لأنها ذكری»؛ زیرا نماز، ذکر خداوند است. در این صورت، معنای تعلیلی «لام» کاملاً روشن می‌شود. بنابراین، «حَقَّقَ ذِكْرَكَ لِي بِالصَّلَاةِ» همان «لأنها ذكری» است، اما عبارت ایشان چندان روان و دقیق به نظر نمی‌رسد.

صاحب جواهر به آیاتی از قرآن کریم استشهاد می‌کند که در آنها نماز به‌عنوان ذکر الهی تعبیر شده است، از جمله: «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»، «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمُ» و «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا». همچنین، صاحب جواهر به روایتی از

امام باقر (علیه السلام) نیز استناد می‌کند که در آن آمده است: «ذَكَرُ اللَّهِ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: "فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ"».

3. احتمال سوم این است که «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِأَجْلِ أَنْ تَكُونَ ذَاكِرًا لِي»، یعنی نماز را برپا دار تا به یاد من باشی و مرا فراموش نکنی. این نیز یک معنای تعلیلی برای «لام» است: «لِأَجْلِ أَنْ تَكُونَ ذَاكِرًا لِي غَيْرِ نَاسٍ»، چنان‌که این شأن مخلصان و اولیای الهی است. همان‌طور که در آیه آمده است: «وَلَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» که در اینجا «ذکر الله» به معنای عدم فراموشی خداوند است؛ یعنی این افراد، حتی در هنگام تجارت و معامله نیز خدا را فراموش نمی‌کنند.

4. یا ممکن است معنای آیه این باشد: «لِأَجْلِ ذِكْرِي خَاصَّةً، لَا تَشُوبُهُ بِذِكْرِ غَيْرِي»؛ در نماز، جز یاد من به چیز دیگری مشغول نشوید و فقط مرا به خاطر داشته باشید.

5. احتمال دیگر آن است که مراد این باشد، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِإِخْلَاصِ ذِكْرِي وَ طَلَبِ وَجْهِی»؛ یعنی ذکر مرا با اخلاص انجام دهید و تنها رضای مرا بجوئید، در نماز ریا نکنید و هیچ هدفی جز قرب به من نداشته باشید.

6. احتمال دیگر؛ «أَوْ لِأَنِّي أَذْكُرُكَ بِالْمَدْحِ وَ الثَّنَاءِ وَ أَجْعَلُ لَكَ لِسَانَ صِدْقٍ» است؛ یعنی اقامه‌ی نماز به این جهت که خداوند، نمازگزار را با مدح و ثنا یاد می‌کند و برای او «لِسَانَ صِدْقٍ» قرار می‌دهد. در این صورت، لام، لام غایت خواهد بود، و غایت نماز و اقامه‌ی آن این است که «أَنَا أَذْكُرُكَ»، یعنی من تو را با مدح و ثنا یاد کنم.

7. «أَوْ لِأَنِّي ذَكَرْتُهَا فِي الْكُتُبِ»؛ احتمال دیگری این است که اقامه‌ی نماز به دلیل آنکه خداوند آن را در کتب پیشین ذکر کرده و بدان امر نموده است، پس باید آن را به عنوان امتثال این امر الهی به‌جا آورد، در نتیجه آیه اینگونه تفسیر می‌شود: «ذَکَرْتُ الصَّلَاةَ فِي الْكُتُبِ السَّابِقَةِ مِنَ الْكُتُبِ السَّمَاءِيَّةِ».

8. «أَوْ لِذِكْرِي إِيَّاهَا وَ أَمْرِي بِهَا»؛ یعنی ممکن است منظور این باشد که من نماز را یاد کرده و به آن امر کرده‌ام. در اینجا، مسئله قصد امر مطرح می‌شود؛ بنابراین، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» یعنی «لِأَمْرِي»، چون من به نماز امر کرده‌ام، پس آن را به‌جا آور در امتثال این امر.

9. «أَوْ لِوُجُوبِ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ أَحَدٍ وَ هِيَ - یعنی الصلاة - أَحَدُ تِلْكَ الْأَذْكَارِ»؛ یا اینکه منظور این باشد که ذکر من بر همه واجب است و نماز یکی از آن اذکار واجب است.

10. «أَوْ لِأَوْقَاتِ ذِكْرِي وَ هِيَ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ»؛ یا اینکه منظور اوقات نماز باشد، یعنی «لِذِكْرِي» به اوقات ذکر من اشاره دارد که همان اوقات نماز هستند.

رد احتمال مد نظر قائلین به مضایقه در مورد آیه

ظاهراً صاحب جواهر می‌خواهند بفرمایند؛ که تمامی این احتمالات در یک سطح قرار دارند و هیچ‌کدام ناظر به بحث توقیت نیست. بنابراین، دو معنا را نمی‌توان از آیه پذیرفت.

لا أن المراد أقم الصلاة لذكري لك إياها عند نسيانك لها أي تذكيري و أضافه اليه مع أن المناسب التعبير بذكرها لما قيل من أنه ورد في الأخبار أن الذكر و النسيان من الأشياء التي لا صنع للعباد فيها، أو أن المراد لذكر صلاتي على جهة الإضمار أو التجوز بإرادتها من ضمير التكلم، إذ هو كما ترى مع ركائته و ظهور الآية بخلافه مناف لمرتبة موسى أو نبينا (عليهما الصلاة و السلام)

من نسیان الصلاة، على أن الآية كالصريحة في إرادة الأمر بإقامة أصل الصلاة و بيان زيادة الاهتمام بها لا خصوص الفائدة منها. [12]

تفسیر اولی که ایشان نمی پذیرند این است که می فرمایند؛ مراد از «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» آن نیست که اقامه‌ی نماز برای یادآوری آن در هنگام نسیان باشد، در این صورت، «لذکری» به معنای «عند ذکری لک إياها» خواهد شد، صاحب جواهر این تفسیر را مردود می داند و تصریح می کند که نمی توان آیه را این گونه معنا کرد، زیرا اگر مقصود چنین بود، باید به جای «لذکری»، تعبیر «لذکرها» به کار می رفت.

افزون بر این، وی به این نکته اشاره می کند که مطابق برخی از اخبار، ذکر و نسیان از اموری هستند که تحت اختیار بندگان نیستند، لذا چنین تفسیری با این قاعده ناسازگار خواهد بود. این مطلب در برخی از روایات مانند «ما غلب الله» آمده و شاید مراد ایشان از دیگر روایات، نیز همین روایات باشد.

همچنین احتمال مردود دیگر در نظر ایشان این است که مراد از ذکر در آیه، ذکر صلاة باشد و به جهت اضمحار یا تجوّز در ضمیر متکلم، به این صورت بیان شده است، طبق این احتمال معنا اینگونه می شود؛ «هر وقت یاد نماز من افتادی، آن را اقامه کن».

وی در علت رد این احتمال می فرماید؛ این نیز علاوه بر رکاکت، با ظهور آیه مخالف بوده و با شأن و مرتبت حضرت موسی یا پیامبر اکرم (علیهما السلام) در تضاد است، چراکه نسبت نسیان نماز به این بزرگان، امری ناپذیرفتنی است.

جمع بندی

در نهایت، صاحب جواهر تصریح می کند که آیه در حکم تصریح به امر به اقامه‌ی اصل صلاة و بیان تأکید بر آن است، نه خصوص نماز فائتة، و از این رو، استدلال به آیه برای اثبات مضایقه در قضا، ناتمام خواهد بود.

در همین راستا، مرحوم آیت الله حکیم نیز تعبیر مشابهی دارند که اصل آن در کلام صاحب جواهر دیده می شود و به همین مطلب تاکید دارد که این آیه شریفه برای بیان اصل وجوب اقامه نماز بوده و ارتباطی با تعیین وقت ندارد. بنابراین، حتی اگر گفته شد که اطلاق «أَقِمِ الصَّلَاةَ»، شامل نماز حاضره و فائتة می شود، اما دلالتی بر تعیین وقت قضا ندارد و صرفاً در جهت بیان اصل اهمیت نماز است، لذا برای اثبات قول به مضایقه کارایی ندارد.

نکات حضرت استاد در پایان درس

خدا را شکر کنیم که امسال ۸۵ روز برنامه درسی داشتیم. این مسئله جای شکر فراوان دارد؛ واقعاً باید شکرگزار باشیم. حوادثی که این روزها در کشورهای مختلف رخ می دهد، باید ما را بیش از پیش متوجه این حقیقت کند که قدر این نظام، کشور، حوزه‌ها و درس‌ها را بدانیم. ما نمی دانیم سال آینده یا حتی ده روز بعد، امکان برگزاری چنین درس‌هایی وجود دارد یا خیر. کرونا آمد و دیدید که چه بلایی بر سر همگان آورد. پس باید خدا را شاکر باشیم و از این فرصت‌ها برای تقویت علمی و تهذیب نفس خود بیشترین بهره را ببریم.

بر همین اساس، در تعطیلات نباید بی برنامه بود. اگر میان انسان و مباحث علمی فاصله بیفتد، علم که ذاتاً فرّار است، از ذهن می رود. باید انس با علم را افزایش داد تا این دانش در وجود انسان نهادینه شود.

مشکلات معیشتی مردم

نکته‌ی دوم این است که بسیاری از افراد این روزها از وضعیت معیشتی بسیار دشوار گلایه دارند. در عین حال، مقام معظم

رهبری نیز تأکید کردند که مردم این مشکلات و بی‌تدبیری‌ها را از اصل انقلاب جدا می‌دانند. این مسئله را در ۲۲ بهمن مشاهده کردید که مردم چه کردند. هر سال که موفق به حضور در راهپیمایی بودم، امسال مشهود بود که جمعیت بسیار شلوغ‌تر از سال‌های قبل بود. مردم نسبت به اصل نظام و انقلاب هیچ‌گونه تزلزلی ندارند، اما وضعیت معیشتی آن‌ها واقعاً نامطلوب است؛ به‌طوری‌که هر روز قیمت‌ها تغییر می‌کند.

دیشب برنامه‌ای از صدا و سیما پخش می‌شد که در آن وضعیت روسیه را بررسی می‌کردند. با اینکه تمامی اروپا این کشور را تحریم کرده است، اما آن‌ها با مدیریت صحیح توانستند اقتصاد خود را سامان دهند. در ابتدا دچار تلاطم اقتصادی شدند، اما در زمان کوتاهی مشکل را حل کردند. این نشان می‌دهد که در کشور ما نیز می‌توان این بحران را مدیریت کرد. اما سؤال اینجاست که چرا مسئولان نمی‌نشینند و این مشکل را حل نمی‌کنند؟ اگر ناتوان هستند، اعلام کنند تا افراد توانمند جای آن‌ها را بگیرند.

در کشور ما جلسات زیادی برگزار می‌شود؛ مسئولان دولتی با اقشار مختلف از جمله بازرگانان، دانشگاهیان و اساتید جلسه دارند، اما گره کار کجاست؟ چرا باوجود این جلسات، مشکل معیشتی مردم همچنان پابرجاست؟ در آستانه‌ی عید نوروز، قیمت مواد غذایی به‌طرز سرسام‌آوری افزایش یافته است. واقعاً مردم به ستوه آمده‌اند و نمی‌توانند حتی امکانات حداقلی زندگی را تأمین کنند. ما بار دیگر این مشکلات را به مسئولان تذکر می‌دهیم و هشدار می‌دهیم که شرایط اقتصادی و معیشتی کشور بسیار نگران‌کننده است. باید تدبیری اندیشید تا قیمت‌ها حداقل به وضعیت دو ماه پیش بازگردد. تغییرات قیمتی در یکی دو ماه اخیر، فشار سنگینی بر مردم وارد کرده است.

استفاده از ماه رمضان

امیدواریم که به برکت دعای امام زمان (عج)، فیوضات ماه شعبان و خودسازی در ماه رمضان، این مشکلات برطرف شود. یکی از مسائل مهم درباره ماه رمضان این است که باید از آن نهایت استفاده را ببریم. حدیث «الصوم لی و أنا أجزی به» را قبلاً به‌طور مفصل بررسی کرده‌ام و چندین احتمال درباره معنای آن مطرح شده است. یکی از احتمالاتی که ما خود مطرح کرده‌ایم این است که معنای حدیث چنین باشد: «روزه برای من است، و اگر بنده‌ی من بخواهد به من جزا و پاداشی بدهد، روزه بگیرد.»

برخی دیگر از تفاسیر، تأویلات عرفانی دارند که چندان مطابق با عرف عامه نیست. اگر حدیث را به صورت معلوم (أنا أجزی به) بخوانیم، این سؤال پیش می‌آید که چرا خداوند فقط روزه را جزا می‌دهد، در حالی‌که همه عبادات را جزا می‌دهد؟ بنابراین، باید حدیث را به‌صورت مجهول خواند (أنا أُجزی به).

اما تفسیری که برخی عرفا مطرح کرده‌اند که «من خود جزای روزه هستم» صحیح نیست؛ بلکه معنای صحیح این است که «من در مقابل روزه جزا داده می‌شوم». باید این معنا را به مردم بیان کرد که خداوند، در مقابل این‌همه نعمتی که به ما داده است، روزه‌ای برای جبران باز گذاشته است و فرموده: «اگر می‌خواهید به من هدیه‌ای بدهید، روزه هدیه‌ای است که می‌توانید به من تقدیم کنید.» این برداشت، از مفاد این حدیث قابل استنباط است.

ان‌شاءالله خداوند توفیق دهد که در ماه رمضان موفق به روزه‌داری شویم. در آغاز این ماه مبارک نیز نکاتی را مطرح خواهم کرد. از همه آقایان التماس دعا دارم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] سورة طه - الآية ۸ إلى ۱۸.

[2] صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، «جواهر الكلام (ط. القديمة)»، ج 13، ص 88.

[3] سورة الجمعة - الآية ٩.

[4] سورة البقرة - الآية ٢٤٠.

[5] سورة آل عمران - الآية ١٨٨.

[6] سورة الروم - الآية ١٦.

[7] تفسير الصافي - سورة البقرة - الآية ١٤٧.

[8] سورة البقرة - الآية ١٤٧.

[9] سورة العنكبوت - الآية ٤٤.

[10] صاحب جواهر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، ج 13، ص 89.

[11] وقوله: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» خص الصلاة بالذكر - وهو من باب ذكر الخاص بعد العام اعتناء بشأنه - لأن الصلاة أفضل عمل يمثل به الخضوع العبودي و يتحقق بها ذكر الله سبحانه تحقق الروح بقالبه. على هذا المعنى فقولته: «لِذِكْرِي» من إضافة المصدر إلى مفعوله و اللام للتعليل و هو متعلق بأقم محصله أن: حقق ذكرك لي بالصلاة، كما يقال: كل لتشبع و اشرب لتروي و هذا هو المعنى السابق إلى الذهن من مثل هذا السياق.(طباطباي، محمد حسين، «الميزان في تفسير القرآن»، ج 14، ص 140).

[12] صاحب جواهر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، ج 13، ص 90.

منابع

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بى.تا.
طباطباي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، 1352.